

## مانیفست زیمر والد

کارگران اروپا!

جنگ، بیش از یک سال است که به طول انجامیده. میلیون ها پیکر بیجان، در میدان های جنگ آرمیده اند؛ میلیون ها انسان برای باقی عمر زمینگیر شده اند. اروپا، به سلاخ خانه ی غول پیکر بشریت تبدیل شده است. تمام دانش، این محصول فعالیت های چندین نسل، وقف نابود کردن شده است. بربریتی بس وحشیانه، در حال برپایی جشن پیروزی خود بر هر آن چیزی است که سابقاً افتخار بشر بود.

حقیقت درباره ی مسئولیت بلاواسطه ی آغاز جنگ هر چه باشد، یک چیز مسلم است: جنگی که این هرج و مرج را باعث شده، پیامد امپریالیزم است، پیامد تلاش های طبقات سرمایه دار هر ملت برای ارضای ولع خود برای کسب سود از استثمار کار انسان و ذخایر طبیعت.

آن مللی که به لحاظ اقتصادی عقب مانده یا به لحاظ سیاسی بی رمق هستند، در خطر انقیاد از سوی قدرت های بزرگ قرار دارند؛ قدرت هایی که در تلاش اند با خون و سرب، نقشه ی جهان را مطابق با منافع استثمارگرانه ی خود تغییر دهند. تمامی مردمان و کشورها، مانند بلژیک، لهستان، دولت های بالکان، ارمنستان، هر یک در کل یا بخشاً، در خطر الحاق به عنوان غنیمت در مذاکره برای غرامت هستند.

در همان حال که جنگ پیش می رود، فرومایگی نیروهای محرک آن به تمامی آشکار می شود. پرده ای که معنای این فاجعه ی جهانی را از درک مردم پنهان کرده است، ذره ذره فرو می افتد. در هر کشوری، سرمایه دارانی که از خون

مردم، سکه‌های طلای سودهای جنگی را ضرب می‌کنند، اعلام می‌دارند که جنگ برای دفاع ملی، دموکراسی و آزادی ملیت‌های تحت ستم است. آنان دروغ می‌گویند.

در واقع آن‌ها عملاً مشغول دفن کردن آزادی‌های مردم خودشان، همراه با استقلال سایر ملل در میدان‌های نابودی و تباهی هستند. غل و زنجیرهایی جدید، مشقت‌های جدیدی پا به عرصه‌ی حیات می‌گذارند، و کارگران تمامی کشورها، چه کشورهای فاتح و چه مغلوب، باید این‌ها را متحمل شوند. در آغاز جنگ، هدف اعلام شده، ارتقای تمدن به سطحی بالاتر بود: فلاکت و حرمان، بیکاری و نیاز، سوءتغذیه و بیماری، نتایج واقعی هستند. برای دهه‌ها و دهه‌ها، هزینه‌های جنگ توان مردم را خواهد بلعید، رفورم اجتماعی را به مخاطره خواهد انداخت، مانع هر گامی در مسیر پیشرفت خواهد شد.

ویرانی معنوی و اخلاقی، فاجعه‌ی اخلاقی، ارتجاع سیاسی-چنین است موهبت‌های این مبارزه‌ی دهشتناک میان ملل.

جنگ پرده از شکل عریان سرمایه‌داری مدرن برمی‌دارد که نه فقط با منافع توده‌های کارگری، نه تنها با شرایط توسعه‌ی تاریخی، بلکه حتی با نخستین شرایط همزیستی بشر هم آشتی ناپذیر شده است.

نیروهای حاکم بر جامعه‌ی سرمایه‌داری، که سرنوشت ملل، حکومت‌های سلطنتی و جمهوری، دیپلماسی پنهانی، سازمان‌های بزرگ کارفرمایی، احزاب طبقه‌ی متوسط، مطبوعات سرمایه‌داری و کلیسا را در دستان خود داشتند، تمامی این نیروها می‌بایست کل بار مسئولیت این جنگ را متحمل شوند، این جنگ محصول نظم اجتماعی تغذیه‌کننده و حافظ آن‌ها است و به خاطر منافع آنان در جریان است.

کارگران!

توده های تحت استثمار، محروم از حقوق و تحقیر شده. شما را در آغاز جنگ، پیش از آن که به حرکت به سوی قتلگاه، به سوی مرگ فراخوانده شوید، برادر و رفیق می خواندند. و اکنون، زمانی که میلیتاریزم شما را دریده، زمینگیر، خوار و نابوده کرده است، حاکمین از شما می خواهند که منافع، اهداف و ایده آل های خود را کنار بگذارید. در یک کلام، فرمانبرداری برده وار از «صلح ملی» را بپذیرید. شما از ابراز دیدگاه های خود، احساسات خود، درد خود بازداشته می شوید؛ به شما اجازه نمی دهند مطالبات خود را پیش بکشید و برای آن برزمید. مطبوعات توقیف می شوند، حقوق و آزادی های سیاسی پایمال می شوند. بنابراین امروز دیکتاتوری نظامی با مشت آهنین حکومت می کند.

ما نه می توانیم و نه جسارت داریم که در مواجهه با شرایطی که کل آینده ی اروپا و بشریت را به مخاطره می اندازد، منفعل باقی بمانیم. طبقه ی کارگر سوسیالیست، چندین دهه مبارزه علیه میلیتاریزم را پیش برده است. نمایندگان آنان در کنفرانس های ملی و بین المللی خود، با اضطراب روزافزون، خود را وقف خطر جنگ، این پیامد امپریالیزم که بیش از پیش تهدیدآمیز می شد، کرده اند. در اشتوتگارت، کپنهاگ، و بازل، «کنگره ی سوسیالیستی بین المللی» مسیری را کارگران باید دنبال کنند، نشان داد.

اما احزاب سوسیالیست و سازمان های طبقه ی کارگر که در تعیین این مسیر شرکت کرده بودند، از زمان آغاز جنگ، به تعهدات ناشی از آن بی اعتنایی کردند. نمایندگان آن ها، کارگران را به تعلیق مبارزه ی طبقاتی کارگری، این تنها ابزار ممکن و کارای رهایی طبقه ی کارگر، دعوت کرده اند. آن ها به اعتبارات جنگی طبقات حاکم رأی داده اند. آن ها خود را برای ارائه ی انواع خدمات گوناگون، در اختیار حکومت هایشان قرار داده اند. با مطبوعات و فرستادگان

خود تلاش کرده اند افراد بی طرف را به سیاست های حکومتی کشورهای خود جلب نمایند. وزرای سوسیالیست را همچون گروگان در اختیار حکومت های خود قرار داده اند تا آشتی ملی را رعایت کنند، و بنابراین مسئولیت این جنگ، اهداف و روش های آن را برعهده گرفته اند. و درست همان طور که احزاب سوسیالیست منفرد شکست خوردند، مسئول ترین نماینده ی سوسیالیست های تمامی کشورها نیز شکست خورد، یعنی: «اداره ی سوسیالیستی بین المللی». این واقعیات، یکی از دلایل آن هستند که چرا جنبش بین المللی طبقه ی کارگر، حتی در جاهایی که بخش هایی از آن قربانی ترس و وحشت ملی نخستین دوره ی جنگ نشد یا در جاهایی که فراتر از آن رفت، حتی اکنون نیز، در دومین سال قصابی ملل، ناتوان از مبارزه ی فعال برای صلح همزمان در تمامی کشورها بوده است.

در این اوضاع غیرقابل تحمل، ما گرد هم آمده ایم، ما نمایندگان احزاب سوسیالیست اتحادیه های کارگری یا اقلیتی از آنان، ما آلمانی ها، فرانسوی ها، ایتالیایی ها، روس ها، لهستانی ها، لتونیایی ها، رومانی ها، بلغارها، سوئدی ها، نروژی ها، هلندی ها، سوئیسی ها، ما نه در زمین همبستگی ملی با طبقه ی استثمارگر، بلکه در زمین همبستگی بین المللی با کارگران و مبارزه ی طبقاتی کارگران ایستاده ایم. ما گرد هم آمده ایم تا از نو پیوندهای از هم گسیخته ی روابط بین المللی را متصل و طبقه ی کارگر را به بازساماندهی و آغاز مبارزه برای صلح فرابخوانیم.

این مبارزه، مبارزه برای آزادی، برای آشتی مردمان، برای سوسیالیسم نیز هست. وظیفه ی ما، مبارزه برای صلح است، صلحی بدون الحاقات یا غرامت. چنین صلحی تنها زمانی ممکن است که هرگونه فکرکردن به نقض حقوق و آزادی های ملل، محکوم شود. هیچ الحاقی نباید در مورد کشورهای اشغال شده،

به صورت کلی یا جزئی، وجود داشته باشد. نه به هرگونه الحاق، آشکار یا پنهان، نه به الحاق اقتصادی اجباری، که با سرکوب حقوق سیاسی، به مراتب غیرقابل تحمل تر می شود. حق ملل برای انتخاب حکومت خود، باید یک اصلی بنیادی ثابت در روابط بین المللی باشد.

### کارگران متشکل!

از زمان آغاز جنگ، شما توان، شهامت، ثبات قدم خود را در خدمت طبقات حاکم گذاشته اید. اکنون، وظیفه‌ی شما، این است که برای آرمان خودتان، برای اهداف مقدس سوسیالیزم، برای رهایی ملل تحت ستم و طبقات تحت اسارت، به وسیله‌ی مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیر طبقه‌ی کارگر، وارد فهرست بشوید.

این وظیفه و تکلیف سوسیالیست‌های کشورهای متخاصم است که این مبارزه را با تمام توان خود آغاز کنند. این وظیفه و تکلیف سوسیالیست‌های کشورهای بیطرف است که از برادران خود با تمامی ابزارهای مؤثر در این نبرد علیه بربریت خونین پشتیبانی کنند.

هرگز در تاریخ جهان، وظیفه‌ی فوری‌تر، شریف‌تر و رفیع‌تر از این وجود نداشته که تحققش باید فعالیت مشترک ما باشد. برای نائل شدن به این هدف، یعنی استقرار صلح میان ملل، هیچ ایثاری بیش از حد بزرگ نیست، هیچ باری بیش از حد سنگین نیست.

مردان و زنان کارگر! مادران و پدران! بیوه‌گان و یتیمان! مجروحین و زمینگیرشدگان! ما در صفوف مقدم، در میدان‌های پُر از دود جنگ، در شهرها و دهکده‌های ویران شده، خطاب به تمامی کسانی که از جنگ یا پیامدهای جنگ رنج می‌برند، فریاد می‌زنیم:

«کارگران تمامی کشورها، متحد شوید»

به نام کنفرانس سوسیالیستی بین‌المللی:

برای هیئت اعزامی آلمان: گنورگ لیدبور، آدولف هوفمان  
برای هیئت اعزامی فرانسه: ا. مرم، بورڈرون  
برای هیئت اعزامی ایتالیا: مودیگانی، کونسائینو لاتساری  
برای هیئت اعزامی روسیه: ن. لنین، پل اکسلرود، م. بوپروف  
برای هیئت اعزامی لهستان: لاپینسکی، وارسکی، هانکی  
برای فدراسیون سوسیالیستی داخلی بالکان:  
برای هیئت اعزامی رومانی: راکوفسکی  
برای هیئت اعزامی بلغارستان: واسیل کولارو  
برای هیئت اعزامی سوئد و نروژ: ز. هوگلوند، توره نرمان  
برای هیئت اعزام هلند: رونالد هولست  
برای هیئت اعزام سوئیس: رابرت گریم

تروتسکی

زیمر والد

۲۱ سپتامبر ۱۹۱۵

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۵